

نهو اوراق اگر مدرس مانی که علم عشق در وقت نباشد
ویدم که نقیض من در شش است ماساحت میکند سبب
مراد و لیتا که بود غم کرد که این کتاب را در خانه گذارم
و باز در خدمت شیخ نیام سوی من نظری کرد و متوجه که
برضرم فرمود که این کتاب جوهر امر ابدی بکشایم چه پیغمبر
که غذای سفیدت و روح حریفی در آن هست بدست شیخ
و اوم اوراق او کردند و میفرمود این فضایل قرآن
و مراد و دیدم که خط فضایل قرآن است بعد از آن فرمود
میکنی از آنچه بر زمان کوفی و در دل نبود گفتیم تمام سبب
از سبب آن کتاب بود در خوش گفت و از باطن منوح شد
کونام که وقتی در دل نگذشته بود تا آن زمان که کسبت
کوفی و بود در هر چه است جز شیخی کونین سلطان علی
میر باید علم و حال از سببها این فرمودند از چه قدر نجات
ای

نقل است از ابو عثمان حریفی رحمه الله علیه شیخ بقا و شیخ
علی بن شیخ ابو سعید قلیوی رضی الله تعالی عنهما بر شیخ جواد
میدادند و آب میزندند **روای** آن کتبت که خلق عمر را بوی
او نیدند مرغال اولی خنجر پروانه او بندد جوهر آن ملک با
هر کس بوی خون او شوق جبار و کسان که کاشانه او نیدند
و غنچه شستند که باذن و عرض میکردند که کار امان باشد
و آن حضرت میفرمود که الامان بس از آن نیستند
او آب تمام و هر که حاضر بودی از ایشان بوقت حصار
آن شهسوار میدان فرودیت ناشید بر او پیش او کوفتی
و حضرت ازین منع کردی ایشان می گفتند و پیش از آن
و الله را وی مذکور میگویی بسیار استخار او دیدم که معا
ما طهران حضرت بودند چون بر در مدرسه ای ایستادند
تقبل عتبه میکردند **ت** ای قبله صفا که تو شش ما پیشی

195